

مؤلفه های تمدن مطلوب در قرآن

مرضیه سادات هاشمی^۱

چکیده

در پی افزایش شهرنشینی، رشد فرهنگ ها و ترقی علوم، جوامع بشری به سوی رسیدن به تمدن در حرکتند. در این مسیر، برای رسیدن به تمدن مطلوب به مؤلفه های مطلوب نیاز است که خداوند در قرآن در دو بعد مادی و معنوی و به صورت مفهومی به آنها اشاره می کند. در این مقاله، سعی شده مؤلفه های اصلی مادی مانند حکومت، قدرت، قانون و... و معنوی، مانند علم، عدالت، ادب و... بر اساس آیات و با استفاده از تفاسیر بررسی شوند. با استناد به قرآن، دریافت این مؤلفه ها در زندگی بشر، رسیدن به تمدن مطلوب را سریع تر می کند. روش تحقیق به صورت توصیفی-تحلیلی و جمع آوری مطالب به صورت کتابخانه ای است.

واژگان کلیدی: مؤلفه، تمدن، مطلوب، قرآن.

۱. مقدمه

سرعت رشد و پیشرفت شهرها و جوامع بشری در سال های اخیر زیاد بوده، به طوری که برخی کشورها مانند کشورهای غربی، خود را متمدن ترین افراد می نامند و جوامع دیگر مانند کشورهای آسیایی و خاورمیانه را تحقیر کرده و آنها را عاری از تمدن می دانند که این نگاه، برای خودشان، یعنی مردم خاورمیانه نیز باور شده و با چشمان بسته به سوی آن در حرکتند. این تهاجم فرهنگی به صورت آرام، همه را به سوی اهداف خود می کشاند. از همان سال های نخستین اسلام، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در تدارک ساخت تمدن مطلوب با استفاده از قرآن و قوانین و مقررات عالی اش بود. همان طور که در تاریخ اسلام آمده که طی سال های کوتاه، مردم جاهل عرب را به سوی تمدن بی نظیری رساند. در موضوع تمدن، ویژگی ها و مؤلفه های آن، کارهایی صورت گرفته و مقالاتی چاپ شده، اما این موضوع به طور تخصصی و با محوریت قرآن، کمتر بوده و یا فقط به یک بعد آن توجه شده است. به همین علت هدف از نوشتن این مقاله این است تا قطره ای از اقیانوس

۱ دانش پژوه کارشناسی علوم قرآن و حدیث، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، از افغانستان.

بی‌کران آیات قرآن را در باب مؤلفه‌های حکومت اسلامی در دو بعد مادی، یعنی افزایش قدرت، آبادانی و ... و معنوی، یعنی رفتار نیکو، رعایت عدالت و ... به طور خلاصه بیان کند تا حرکتی ناچیز در مسیر شناساندن تمدن مطلوب و حقیقی که نیاز فطری جامعه بشری است بشناسد و اعتماد و اتکا به اسلام، کتاب الهی و پیامبر خدا ﷺ برای رسیدن به تمدن مطلوب صورت گیرد. هدف از نوشتن این مقاله، روشن شدن مسیر اصلی فرهنگ و تمدنی است که نیاز بشر و در نهایت کمال است؛ زیرا خداوند، بیشتر با نیازهای مخلوقاتش آگاهی دارد در نتیجه کمک می‌کند تا افراد جامعه، هشیارانه در مسیر درست گام بردارند و در نهایت پاسخ به این سؤال است که مؤلفه‌های دست‌یابی به تمدن مطلوب در قرآن کریم چیست؟

۲. مفهوم‌شناسی

۱-۲. مؤلفه در لغت

مؤلفه در لغت به معنی ترکیب‌کننده، تألیف‌دهنده، گردآوری شده، الفت‌دهنده (دهخدا، ۱۳۷۳، ۱۹۲۸۳/۱۳) جمع‌کننده (عمید، ۱۳۸۱، ۱۸۲۰/۲) است.

۲-۲. تمدن در لغت

تمدن در لغت برگرفته از مدینه به معنی شهر است. جمع آن مدن است. مدن مدینه، یعنی شهری ساختن. (راغب اصفهانی، ۱۳۶۹، ۲۱۲/۴) دستاوردهای مادی و معنوی بشر، ضمن نظم اجتماعی نیز از دیگر معانی تمدن است. این واژه از اصل عربی مدینه گرفته شده و به معنای اقامت در شهر و خوگرفتن به اخلاق مردم آن است (مصطفوی، ۱۳۷۳، ۵۶/۱۱). یکی دیگر از معانی تمدن، شهرنشینی و اخلاق شهری پیدا کردن است (رفسنجانی، ۱۳۸۶، ۵۲۱/۸).

۳-۲. تمدن در اصطلاح

نوع خاصی از توسعه مادی و معنوی، در جامعه ویژه را تمدن می‌گویند. انتقال از حالت خشونت، توحش و جهل به ظرافت، انس و معرفت و در مقابل بادیه‌نشینی و بربریت به‌کار می‌رود. یک تمدن، مجموعه پیچیده‌ای از پدیده‌های اجتماعی قابل انتقال، حاوی جهات مذهبی، اخلاقی، علمی و ... و مشترک در همه اجزای جامعه‌ای وسیع و یا چندین جامعه مرتبط با یکدیگر بوده و در اصل، همان فرهنگ با عناصر و خصوصیات پیشرفته‌تر است. تکنولوژی و علم، عمومی‌ترین معیارهای مورد استفاده در تعریف تمدن است. وجود شهرها، تمرکز اقتصادی و سیاسی از مقدمات رسیدن به آن است. در قرآن، واژه «مکن، قوه، آثاراً فی الأرض» در معنای تمدن استفاده می‌شود.

(ر.ک.، رفسنجانی، ۱۳۸۶، ۵۲۱/۸، جولیس گلد، ۱۳۷۶، ص ۲۶۷) آیات قرآن، مؤلفه های تمدن مطلوب را در دو قلب مادی و معنوی به صورت مفهومی بیان کرده است.

۳. مؤلفه های مادی

۱-۳. تشکیل حکومت

انسان در هر ملیت و با هر نژادی، برای رسیدن به رشد و کمال در مسیر تمدن نیاز به مؤلفه هایی دارد. اولین مؤلفه در رسیدن به تمدن مطلوب با استناد به قرآن، تشکیل حکومت است. این امر به خودی خود، ممکن نیست؛ زیرا باید به صورت دقیق بررسی شده و در طول برنامه ای جامع باشد. این برنامه جامع، نیاز به مقدماتی دارد تا حکومت مطلوب، در زمان و مکان درست تحقق یابد. قرآن کریم در بسیاری از آیاتش به این نکته اساسی اشاره کرده و اهمیت آن را بیان می کند. بنیان این حکومت، به رهبری نیاز دارد که نمونه یک انسان کامل بوده و تمام ویژگی های رهبر مطلوب را داشته باشد، تا بتواند بشر را به کمال و تمدن مطلوب برساند. کمال این خصوصیات، تنها در غالب رهبران الهی تحقق می یابد؛ زیرا تنها خداوند است که این افراد را شناخته و انتخاب می کند. قرآن کریم می فرماید:

وَ كَذَلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ يَتَّبِعُوا مِنْهَا حَيْثُ يَشَاءُ نُصِيبُ بِرَحْمَتِنَا مَنْ نَشَاءُ وَلَا نُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ.

و این گونه ما به یوسف علیه السلام در سرزمین مصر مکنت دادیم که هرگونه می خواست، در آن منزل می گزید و تصرف می کرد. ما رحمت خود را به هر کس بخواهیم و شایسته بدانیم، می بخشیم و پاداش نیکوکاران را ضایع نمی کنیم. (یوسف: ۵۶)

خداوند در سوره یوسف، داستان خواب پادشاه مصر را بیان کرده که برای تعبیر خوابش، محتاج کسی می شود که در گوشه زندان است. این خواب تنها بهانه ای برای تشکیل یک حکومت توسط رهبری الهی بود: «وَ كَذَلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ»؛ و این چنین، یعنی مثل نعمت های دیگر، این نعمت را نیز به او دادیم که بر سرزمین مصر او را حکم فرما و فرمان روا کردیم. (طبرسی، ۱۳۱۳، ۲۴۴/۱۲)

در حقیقت، حضرت یوسف علیه السلام یک معبر ساده خواب نبود، بلکه رهبری بود که از گوشه زندان برای آینده یک کشور برنامه ریزی می کرد و یک طرح چند ماده ای، حداقل پانزده ساله، به آنها داد. این تعبیر، همراه با راهنمایی و طراحی برای آینده، شاه جبار و اطرافیانش را تکان داد و موجب شد که مردم مصر از قحطی کشنده، یوسف علیه السلام از زندان و حکومت از دست خودکامگان

نجات یابد. (مکارم، ۱۳۵۳، ۴۲۷/۹) نمونه دیگر حکومت های الهی مانند حضرت داوود علیه السلام و سلیمان علیه السلام در آیات ۱۶، ۱۷ و ۴۴ سوره نمل و حکومت ذوالقرنین «إِنَّا مَكَّنَّا لَهُ فِي الْأَرْضِ» دیده می شود که هر کدام نمونه زیبایی از تحقق تمدنی مطلوب با حکمای الهی را نشان می دهد.

۲-۳. قدرت داشتن

دومین مؤلفه تحقق تمدن مطلوب، قدرت است؛ زیرا بدون قدرت، هیچ امری انجام نمی شود. تاریخ نشان می دهد بیشتر کسانی که به قدرت رسیده اند، هر چند اوایل خوب بودند، ولی کم کم اسیر آن شده و شروع به ظلم و ستم کردند. (مکارم، ۱۳۵۳، ۲۴۱/۱۵) مطالعه تاریخ و تأمل در آیات نشان می دهد که این حکومت ها رو به زوال رفته است. قدرت ها، تنها به خواست و اراده خداوند پایدار می مانند. حاکمان الهی اگر دوران کوتاهی را هم سپری کرده باشند، تعالیشان همواره موجب رشد و شکوفایی تمدن بشر در تمامی اعصار می شود. آیات قرآن بیان می کند که خداوند به رهبران الهی چنان قدرتی داد که با استفاده از آن، جامعه را دگرگون کردند، مانند قدرت حضرت داوود علیه السلام و سلیمان علیه السلام (ر.ک.، سبا: ۱۲) و قدرت ذوالقرنین و دیگر فرمانروایان عادل در هنگام فرمانروایی (ر.ک.، کهف: ۸۴). خداوند در این آیه می فرماید که قدرت فراوانی به ذوالقرنین عطا کرده تا بتواند در زمین به خوبی حکمرانی کند: «قَالَ مَا مَكَّنِّي فِيهِ رَبِّي خَيْرٌ فَأَعِينُونِي بِقُوَّةٍ أَجْعَلْ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ رَدْمًا؛ ذوالقرنین گفت آنچه را خدا در اختیار من گذارده، بهتر است.» بنابراین، با استفاده از توانایی و قدرتی که خداوند به او داد، توانست قومی را از عذاب نجات دهد. در داستان سلیمان علیه السلام (ر.ک.، سبا: ۱۲) و داوود علیه السلام آثار شرک و بت پرستی توسط این رهبران الهی ریشه کن شد و نظامی الهی بر پا کردند، نظامی که ابزار اصلیش، علم و دانش و آگاهی در زمینه های مختلف بود، نظامی که نام خدا، سرلوحه همه برنامه هایشان بود، نظامی که تمام نیروهای لایق را برای رسیدن به اهدافش استفاده می کرد، نظامی که دیوها را دربند کرده و ظالمان را بر سر جای خود نشانده بود، و نظامی که قدرت نظامی کافی داشت (مکارم، ۱۳۵۳، ۲۴۱/۱۵؛ طبرسی، ۱۳۱۳، ۲۰/۲۲۶).

۳-۳. قانونمندی

انسان برای رسیدن به اهدافش باید قانونمند باشد؛ زیرا اگر براساس قانون حرکت نکنند به مقصد و مقصود خود نخواهد رسید. جامعه ای که در حال حرکت به سوی تمدن مطلوب است، باید تحت نظارت و برنامه مشخصی باشد تا رشد کند. جوامع عاری از قانون و بدون مدیریت و نظم صحیح، هیچ گاه به تمدن خوبی دست نمی یابند. به همین دلیل قرآن را می توان کتاب قانون

نامید که در آن، اصول و قوانین رشد و تکامل انسان‌ها بیان شده است. داشتن مدیریت، نظم و داشتن امنیت در چهارچوب قانون خدا می‌تواند جامعه را به تمدن زیبا و چشم‌گیری برساند.

۳-۴. مدیریت و نظم

إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُدَبِّرُ الْأُمْرَ.
به آنان بگو پروردگار شما آن کسی است که آسمان‌ها و زمین را در شش روز آفرید و سپس بر کرسی قدرت و مقام تدبیر قرار گرفت و به تدبیر امور عالم پرداخت. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۰/۱۰)

هستی، قانونمند و هدف‌دار است. لازمه تدبیر امر، عاقبت و هدف داشتن و قانون‌مند بودن است: «يُدَبِّرُ الْأُمْرَ». (قرائتی، ۱۳۸۸، ۵۳۷/۳) خداوند به زیبایی، جهان را مدیریت می‌کند و برای انسان‌ها نیز افرادی را فرار داده تا قانون الهی را مدیریت کرده و بشر را به جایگاه رفیع انسانیت و تمدن متعالی برسانند. امام علی علیه السلام در وصیت خود، به نظم در کارها سفارش کرد و فرمود: «أَوْصِيكُمْ مَا وَوَلَدِي وَأَهْلِي وَمَنْ بَلَغَهُ كِتَابِي بِتَقْوَى اللَّهِ وَنُظْمِ أَمْرِكُمْ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۲۴/۷۲؛ صبحی صالح، ۱۴۱۴، ص ۴۲۱). در حکومت حضرت سلیمان علیه السلام لشکریان بسیار زیاد و تحت نظامی خاص بودند (طبرسی، ۱۳۱۳، ۸۹/۱۸). «وَ حُسْرٍ لِّسُلَيْمَانَ جُنُودُهُ مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ وَالطَّيْرِ فَهُمْ يُوزَعُونَ» (نمل: ۱۷). قلمرو حکومت ایشان وسیع بود و تنها نظم بسیار می‌توانست این همه جمعیت را کنترل کرده و به تکامل برساند. مدیریت و نظم در حکومت سلیمان علیه السلام آن قدر زیاد بود که با وجود جمعیت زیاد، حضرت از نبود افراد مطلع می‌شد و برای عمل بیهوده و بی‌نظمی، مؤاخذه می‌کرد. (مکارم شیرازی، ۱۳۵۳، ۴۳۱/۱۸) زمانی که نظم در زندگی مهم باشد، رسیدن به هدف آسان‌تر شده و تمدن مطلوب سریع‌تر حاصل می‌شود.

۳-۵. امنیت

امنیت و آرامش، نیاز یک جامعه برای نیل به تمدن مطلوب است. در جامعه‌ای که امنیت نباشد، مردم فرصتی برای پیشرفت نداشته و همواره درگیر مشکلات ناشی از ناامنی هستند. «و هَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ»؛ و سوگند به این شهر امن و امان» (تین: ۳) (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۱۳۹/۲۷). این آیه اشاره به سرزمین مکه است، سرزمینی که حتی در عصر جاهلیت به عنوان منطقه امن و حرم خدا شمرده می‌شد و کسی در آنجا حق تعرض به دیگری نداشت، حتی مجرمان و قاتلان وقتی به آن سرزمین می‌رسیدند، در امنیت بودند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۱۴۱/۲۷) در قرآن کریم خانه کعبه از طرف پروردگار یک پناهگاه و کانون امن و امان اعلام شده است. در اسلام، مقررات

زیادی برای اجتناب از هرگونه نزاع و کشمکش و جنگ و خونریزی در این سرزمین مقدس وضع شده، به طوری که نه تنها افراد در هر قشر و گروه و در هر شرایطی باید در آنجا در امنیت باشند، بلکه حیوانات و پرندگان نیز در آنجا در امنیت بوده و هیچ کس حق ندارد مزاحم آنها شود. (مکارم شیرازی ۱۳۷۱، ۴۴۹/۱) امنیت، شرط لازم برای زندگی است و رهبران جامعه باید به فکر امنیت مردم باشند. امنیت، برای آزادی، گناه و عیاشی نیست، بلکه باید مقدمه عبادت باشد: «أَمِنًا» «أَمِنًا يَعْجِدُونَنِي» (قرائتی، ۱۳۸۸، ۴/۴۱۹). رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ برای ایجاد تمدن مطوب الهی، تلاش‌های فراوانی کرد تا مقدمات رسیدن به تمدن، یعنی آسایش و امنیت زیر پرچم اسلام را فراهم کند. ایشان، گروهی از مسلمانان را به حبشه فرستاد (ر.ک.، آیتی، ۱۳۷۸، ص ۱۲۹) تا از شر مشرکان در امان بمانند. پس از چندی با اهل یثرب پیمان بست، و سپس به آن شهر هجرت کرد و همه مسلمانان با ایشان به آنجا رفته و در مدینه‌النبی ساکن شدند (ر.ک.، آیتی، ۱۳۷۸، ص ۱۶۶). تلاش‌ها و رشادت‌های رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در زمانی کوتاه، مردم جاهل و عاری از تمدن را به اوج فرهنگ و تمدن خود رساند. بنابراین، رشد و تعالی و رسیدن به تمدن مطلوب، تنها در سایه آرامش و امنیت به دست می‌آید.

۳-۶. عمران

زمانی جوامع به تمدن مطلوب و شایسته می‌رسند که در شهرها، اماکن، خیابان‌ها، ساختمان‌ها و... از نظر عمران و آبادانی توسعه یافته باشند. خداوند در قرآن، عمران و آبادانی را از شاخصه‌های تمدن بیان می‌کند.

۳-۷. ساختمان سازی

قرآن کریم ذیل آیات ۱۲ و ۱۳ سوره سبا، آیه ۴۴ سوره نمل و دیگر آیات، زیباترین و باشکوه‌ترین ساختمان سازی‌ها و برج سازی‌ها را نشان می‌دهد که در سیر رشد و تکامل تمدن مطلوب الهی شکل گرفته بود. در طول تاریخ و ایجاد حکومت‌ها با تمام پیشرفت‌های چشم‌گیر عصر حاضر، نتوانستند مانند ساختمان‌هایی که در حکومت رهبران الهی ساخته شده بود را بسازند.

قِيلَ لَهَا ادْخُلِي الصَّرْحَ فَلَمَّا رَأَتْهُ حَسِبَتْهُ لُجَّةً وَ كَشَفَتْ عَنْ سَاقِهَا قَالِ إِنَّهُ صَرْحٌ مُّمَرَّدٌ مِنْ قَوَارِيرَ قَالَتْ رَبِّ اِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي وَ اَسْلَمْتُ مَعَ سُلَيْمَانَ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

به او گفته شد داخل حیاط قصر شو، اما هنگامی که نظر به آن افکند، پنداشت نهر آبی است و ساق پاهای خود را برهنه کرد تا از آب بگذرد، اما سلیمان گفت (این آب نیست) بلکه قصری است از بلور صاف. (نمل: ۱۴)

در حکومت حضرت سلیمان عَلَيْهِ السَّلَام ساختمان‌ها و اماکنی ساخته شد که در هیچ تمدنی یافت

نمی‌شد. (طبرسی، ۱۳۱۳، ۲۰/۲۲۶، ۲۲۸، ۲۲۹) در ماجرای دیدار ایشان با ملکه صبا، امر کرد که صحن یکی از این قصرها را از بلور بسازند و در زیر آن، آب جاری قرار دهند. هنگامی که ملکه صبا به آنجا رسید با دیدن قدرت خداوند متحول شد و به خداوند یکتا ایمان آورد (مکارم شیرازی، ۱۳۵۳، ۱۵/۴۲۸). هدف حضرت برای بنای چنین عمارتی، نشان دادن قدرت خداوند بود.

۳-۸. سد سازی

ذوالقرنین، سفرهای بسیاری می‌کرد. در یکی از سفرهایش به سمت مشرق می‌رفت تا اینکه به میان دو کوه رسید «حَتَّى إِذَا بَلَغَ بَيْنَ السَّدَّيْنِ» (کهف: ۹۳). در آنجا مردمی می‌زیستند که زبان کسی را نمی‌فهمیدند، خودشان زبانی مخصوص داشتند و به سختی سخن دیگران را می‌فهمیدند. «وَجَدَ مِنْ دُونِهِمَا قَوْمًا لَا يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ قَوْلًا» (کهف: ۹۳). آنها از ذوالقرنین خواستند تا سدی بسازد و مانع آمدن یا جوج و مأجوج و گذشتن آنها از میان دو کوه شود. «قَالُوا يَا ذَا الْقُرْنَيْنِ إِنَّ يَا جُوجَ وَمَأْجُوجَ مُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ فَهَلْ نَجْعَلُ لَكَ خَرْجًا عَلَى أَنْ تَجْعَلَ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ سَدًّا» (کهف: ۹۴) (طبرسی، ۱۳۱۳، ۱۵/۱۲۳). ذوالقرنین با سد بر سر راه آنها مانع ایجاد کرد. مردم بومی آنجا به ذوالقرنین گفتند آیا از اموال خود به تو بدهیم تا میان ما و ایشان دیواری به وجود آوری؟ ذوالقرنین نپذیرفت و از آنها خواست وسایل ساخت سد را فراهم کنند. ایشان سد پولادینی ساخت که همچون دیواری استوار که آجر آن آهن و گل آن مس ذوب شده است، راه را بر متجاوزان مسدود کند (طبرسی، ۱۳۱۳، ۱۵/۱۲۷).

۳-۹. رشد اقتصادی

با توجه به آیات به روشنی مشخص می‌شود که تألیف تمدنی مطلوب، نیازمند رشد بالای اقتصادی است؛ زیرا شهر یا کشوری که از نظر اقتصادی، در بحران بوده و محتاج باشد، چگونه توان رشد و پیشرفت را دارد. همان طور که حاکمان الهی، هر چند ظاهر زندگیشان فقیرانه باشد، ولی هیچ نیازی به دیگران نداشته و حتی خود ایشان به دیگران یاری می‌رسانند.

۳-۱۰. توسعه کشاورزی

پادشاه مصر خوابی دید و به دنبال آن از وجود حضرت یوسف عليه السلام مطلع شد و از او تعبیر و راه‌گشایی خواست. حضرت یوسف عليه السلام می‌دانست که ریشه مهم نابسامانی‌های آن جامعه مملو از ظلم و ستم، در مسائل اقتصادی آن نهفته است، اکنون که آنها به حکم اجبار به سراغ او آمده‌اند، چه بهتر که نبض اقتصاد کشور مصر را در دست گیرد: «قَالَ اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ». (یوسف: ۵۵)؛ و به یاری مستضعفان بشتابد و از تبعیض‌ها تا آنجا که قدرت

دارد، بکاهد، حق مظلومان را از ظالمان بگیرد و به وضع بی سرو سامان آن کشور پهناور، سامان بخشد. (مکارم شیرازی، ۱۳۵۳، ۴۲۱/۹)

مسائل کشاورزی در آن زمان در کشور مصر اهمیت زیادی داشت، حضرت یوسف علیه السلام با زیر نظر گرفتن آن و با توجه به اینکه سال های فراوانی و سپس سال های خشکی در پیش بود، مردم را به کشاورزی و تولید بیشتر دعوت کرد. همچنین در مصرف فرآورده های کشاورزی تا سر حد جیره بندی، صرفه جویی کرد و آنها را برای سال های قحطی ذخیره کرد. (مکارم شیرازی، ۱۳۵۳، ۵/۱۰) حضرت یوسف علیه السلام تدبیری عالی کرد که نه تنها مردم مصر در هفت سال دوم، رنج گرسنگی و قحطی را نکشیدند، بلکه به مردم کشورهای همسایه نیز کمک کردند (مکارم شیرازی، ۱۳۵۳، ۵/۱۰) و در آن عصر، تمدن مصر به اوج رشد و شکوفایی اقتصادی خود رسید. «قَالَ تَزْرَعُونَ سَبْعَ سِنِينَ دَأْبًا فَمَا حَصَدْتُمْ فَذَرُوهُ فِي سُنْبُلِهِ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّا تَأْكُلُونَ * ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ سَبْعٌ شِدَادٌ يَأْكُلْنَ مَا قَدَّمْتُمْ لَهُنَّ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّا تَحْصِنُونَ» (یوسف: ۴۷-۴۸). جامعه در هر زمان و هر عصری با مدیریت و برنامه منظم اقتصادی می تواند به تمدن مطلوب و عالی دست یابد و حتی با نقاط دوردست، داد و ستد داشته باشد.

۳-۱۱. تولید و بهره برداری

تولید از دیگر مؤلفه های یک تمدن مطلوب است. زمانی جامعه به تکامل می رسد که خود، تولید کند و بهره برداری داشته باشد. یک کشور زمانی که از تولید داخلی بهره مند باشد، هیچ گاه نیازمند و محتاج دیگران نمی شود. همان طور که در داستان حضرت یوسف علیه السلام بیان شد که خود تولیدکننده بودند و به کشورها و مناطق دیگر صادر می کردند. در زمان فرمان رویی حضرت داوود علیه السلام و سلیمان علیه السلام نیز چنین بود. نمونه آن، تخریب مروارید از دریا و سنگ ها و جواهرات از معادن و ... توسط سپاهی است که تحت حکومت حضرت سلیمان علیه السلام بود. «وَالشَّيَاطِينِ كُلِّ بَنَاءٍ وَ عَوَاصِي» (ص: ۳۷). همچنین اول کسی که زره ساخت، حضرت داوود علیه السلام بود که سبک بود و هم استحکام داشت. «وَعَلَّمْنَاهُ صَنْعَةَ لَبُوسٍ لَكُمْ لِتُحْصِنَكُمْ مِنْ بَأْسِكُمْ فَهَلْ أَنْتُمْ شَاكِرُونَ؛ و به داوود، صنعت زره آموختیم تا شما را از ضربت سلاح دشمن حفظ کند» (انبیاء: ۸۰). (طبرسی، بی تا، ۱۴۷/۱۶) زمانی که جامعه تلاش کرده و به تولید و بهره برداری خوبی دست یابد، مقدمات تمدن مطلوب را فراهم می کند.

۳-۱۲. افزایش ارتباطات

یک جامعه برای رشد بیشتر، باید دامنه ارتباطش را افزایش دهد؛ زیرا هم بر علم و هم بر تجربه اش

می‌افزاید. در زندگی رهبران الهی دیده می‌شود که با مکان‌ها و افرادی ارتباط داشتند که در نقاط دور افتاده ساکن بودند.

ذوالقرنین به سرزمین‌های اطراف سفر کرده با اقوام مختلف ارتباط داشت و آنها را هدایت می‌کرد. در یکی از این سرزمین‌ها مردمی را دید که لباسی نداشتند و زبان کسی نمی‌فهمیدند. آنها زبانی مخصوص داشتند و به سختی مطالب دیگران را می‌فهمیدند «وَجَدَ مِنْ دُونِهِمَا قَوْمًا لَا يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ قَوْلًا» (کهف: ۹۳). (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۵۰۳/۱۳)

در ماجرای قحطی، حضرت یوسف علیه السلام با بسیاری از بلادها آمد و شد داشت و به دلیل همین ارتباطات بالا، دوباره به آغوش پدر بازگشت. در حالی که کنعان، فاصله زیادی با کشور مصر داشت.

۴. مؤلفه‌های معنوی

۴-۱. تفکر و تعقل

اسلام، دین تفکر، تعمق و تعقل است. در اسلام، تفکر و تعقل، بن‌مایه و چشمه جوشان دانش بوده و چنان جایگاه رفیعی دارد که به شکل استفهام انکاری در آیه ۱۳ «افلا تعقلون» و در آیه ۱۷ «افلا تتفكرون» آمده است. از نظر قرآن، عقل موهبتی الهی است که آدمی را به سوی حق هدایت کرده و از گمراهی نجات می‌دهد. (طباطبایی، ۱۳۸۳، ۲۵۰/۸) با توجه به جایگاه تفکر و تعقل، بدیهی است که یکی از مؤلفه‌های رسیدن به تمدن مطلوب، تفکر و تعقل است؛ زیرا تفکر، تاریکی‌ها را می‌زداید و موجب رشد و پیشرفت می‌شود. قرآن کریم نیز همواره مردم را به تفکر و تعقل دعوت می‌کند. «...فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لَدَا الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا أَفَلَا تَعْقِلُونَ» (یوسف: ۱۰۹). به کار انداختن عقل و فکر بشر از اهداف رسالت انبیا و قرآن است. خرد و اندیشه، انسان را به سوی مکتب انبیاء پیش برده و موجب رشد خواهد شد. خرد و اندیشه، یکی از نیازهای اساسی در تحقق تمدن مطلوب است. هر اندازه تفکر و تعقل در جامعه افزایش یابد، پیشرفت در علم و فرهنگ نیز افزایش می‌یابد (قرائتی، ۱۳۸۸، ۳۰۳/۴).

۴-۲. رشد علم و دانش

علم و دانش از مهمترین پایه‌های توسعه تمدن است. همه چیز در جامعه، به علم و دانش باز می‌گردد. به همین علت خداوند در بسیاری از آیات، به آن تأکید می‌کند. خداوند در قرآن، یکی از موهبت‌های خود به سلیمان علیه السلام و داوود علیه السلام را علم نامیده و می‌فرماید: «وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا...» (نمل: ۱۵). این علم معنی گسترده و وسیعی دارد که علم توحید و اعتقادات

مذهبی و قوانین دینی و همچنین علم قضاوت و تمام علمی که برای تشکیل چنان حکومت وسیع و نیرومندی لازم بوده را شامل می‌شود؛ زیرا تأسیس یک حکومت الهی براساس عدل و داد، حکومتی آباد و آزاد، بدون بهره‌گیری از علمی سرشار، امکان پذیر نیست (مکارم شیرازی، ۱۳۵۳، ۴۱۶/۱۵). قرآن، مقام علم را در جامعه انسانی و در تشکیل حکومت، نخستین سنگ زیربنا مشخص کرده است. خداوند در آیات قرآن، ذیل بیان حکومت‌های الهی، مولفه اصلی برای رسیدن به تمدن مطلوب را علم و دانش و آگاهی در زمینه‌های مختلف بیان می‌کند که این، در حکومت حضرت داود علیه السلام، حضرت سلیمان علیه السلام، حضرت یوسف علیه السلام و ذوالقرنین، به روشنی نمایان است. علاوه براین، همه انسان‌ها را برای به دست آوردن علم، همواره تشویق می‌کند. در اسلام، روایات بسیاری در این باره بیان شده است. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «العلمُ خَيْرٌ مِنَ الْمَالِ» (قمی، ۱۴۰۲، ۳۵۹/۶). به دست آوردن علم، بهتر از مال و ثروت است. به این ترتیب، علم و دانش، پایه و اساس رسیدن به تمدن مطلوب است.

۳-۴. برقراری عدالت در جامعه

در تمدنی که قرآن به انسان معرفی می‌کند، تمام افراد، زیر پرچم عدالت بوده و تفاوتی میان هیچ کس نیست و به کسی ظلم نمی‌شود، حتی اگر از مخالفین حکومت باشند نیز با او به عدالت برخورد می‌شود. آیات قرآن، ناظر به این مطلب است. «...إِنْ حَكَمْتَ فَأَحْكُم بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» (مائده: ۴۲). براساس این آیه، حتی اگر حاکم اسلامی برای داوری بین کشورهای غیر اسلامی انتخاب شد، باید عدالت، جرأت و صراحت را به طور کامل رعایت کند. بنابراین، مسائل نژادی، منطقه‌ای، تعصب‌های گروهی، تمایلات شخصی و تهدیدها نباید در قضاوت‌ها تأثیر بگذارد. عدالت، همیشه و با هر گروه، یک ارزش خداپسند است (قزاقی، ۱۳۸۸، ۲۹۷/۲). خداوند به رسول خدا فرمود: «اگر خواستی میان آنها حکم کنی، به عدالت و بر طبق قرآن و شریعت اسلام حکم کن» (طبرسی، بی تا، ۴۵/۷). در تمدن اسلام، تحت فرمانروایی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و رفتار زیبای ایشان با اهل کتاب، این را به خوبی نشان می‌دهد. قرآن کریم می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَ الْأَقْرَبِينَ إِنْ يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَاللَّهُ أَوْلَىٰ بِهِمَا فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدُوا وَإِنْ تَلَوُّوا أَوْ نَعَرَضُوا فَلَا تَعْدُوا لِلَّهِ كَانِ بِمَا تَعْمَلُونَ حَبِيرًا. (نساء: ۱۳۵)

این آیه یعنی، در شهادت‌های خود جانبدار حق باشید، خواه به ضرر کسی باشد، خواه به نفع کسی، و خواه این کسان به شما دور باشند و یا نزدیک. اگرچه شهادت شما به ضرر خودتان یا پدر و مادر یا خویشاوندان نزدیکتان باشد. باید به عدالت قیام کنید و به درستی و حق شهادت دهید

و به خاطر ثروت و ثروتمندی یا تهیدستی فقیری از آن انحراف مجوید؛ زیرا خداوند متعال در اقامه شهادت، میان آنها مساوات برقرار کرده و هیچ یک را بر دیگری ترجیح نداده است (طبرسی، بی تا، ۹۰/۶). عدالت در جامعه، یکی دیگر از ارکان ساخت و استحکام تمدن مطلوب در اسلام است.

۴-۴. رشد ادب اجتماعی

بر اساس مؤلفه های تمدن مطلوب قرآنی، مردم در اجتماع باید به ادب و احترام بالایی برسند که در جامعه محسوس باشد. زیبایی یک تمدن، در نوع رفتار آن جامعه با یکدیگر و با دیگران دیده می شود. تمدن اسلام در دوره رسول خدا ﷺ بیان گر آن است. از جمله اینکه مسلمانان بی اجازه وارد خانه کسی نشده و از این کار نهی شدند. «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْنِسُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ» (نور: ۲۷). «فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فِيهَا أَحَدًا فَلَا تَدْخُلُوهَا حَتَّى يُؤْذَنَ لَكُمْ وَإِنْ قِيلَ لَكُمْ اذْجِعُوا فَاجْزِعُوا هُوَ أَزْكى لَكُمْ...» (نور: ۲۸). در این آیات می فرماید: «ای مردم مؤمن، داخل خانه های دیگران نشوید، مگر اینکه اجازه بگیرید»، یعنی داخل نشوید، مگر اینکه سلام کنید و اجازه بگیرید. اگر اجازه داده شد، داخل شوید، داخل شدن با اجازه برایتان بهتر است و اگر به شما اجازه ورود ندادند، برگردید و لجاجت نکنید. خواه به شما بگویند، اجازه نیست یا قرائنی باشد که عدم رضایت آنها را نشان دهد. برگشتن شما، هم برای دنیای شما بهتر است و هم برای دین شما و هم برای پاک شدن شما (طبرسی، بی تا، ۱۲۲/۱۷). در جای دیگر، ادب و احترام به پدر و مادر، به خصوص زمان سالمندی ایشان را بیان کرده:

وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا آفٌ وَلَا تُنْهَهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا.

بروردگارت حکم قطعی کرده که غیر او را نپرستید و به والدین احسان کنید، و اگر یکی از آن دو در حیات تو به حد پیری رسید، و یا هر دوی آنان که سالخورده شدند، زنهار کلمه ای که رنجیده خاطر شوند، مگو و کمترین آزار به آنها مرسان و با ایشان به اکرام و احترام سخن بگو. (اسراء: ۲۳)

مسئله احسان به پدر و مادر، بعد از مسئله توحید خدا، واجب ترین واجبات است. چنان که مسئله حقوق، بعد از شرک ورزیدن به خدا از بزرگ ترین گناهان کبیره است. (علامه طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۰۹/۱۳) اگر این حکم در اجتماع جریان نیابد و فرزندان با پدر و مادر خود معامله یک بیگانه را بکنند، به طور قطع، آن عاطفه از بین رفته و شیرازه اجتماع به کلی از هم گسیخته می شود.

مردی که از پدرش نزد پیامبر ﷺ شکایت کرد. حضرت پدر را خواست و سؤال کرد. پدر پیر گفت روزی من قوی و پول دار بودم و به فرزندم کمک می کردم، اما امروز او پول دار شده

و به من کمک نمی‌کند. رسول خدا ﷺ گریست و فرمود: هیچ سنگ و شنی نیست که این قصه را بشنود و نگردد! سپس به آن فرزند فرمود: «أَنْتَ وَمَا لَكَ لَا بِيكَ؛ تو و دارایی‌ات از آن پدرت هستی». (قرائتی، ۱۳۸۸، ۳۹/۵)

۴-۵. احترام و رعایت حقوق

قرآن کریم سفارش فراوانی به احترام و رعایت حقوق یکدیگر کرده و موارد آن را در آیات آورده است، پس اگر در جامعه‌ای، حقوق همگی به خوبی رعایت شود، این جامعه زودتر به تمدن مطلوب می‌رسد. خداوند در باب مهریه زنان می‌فرماید:

وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً فَإِنْ طِبْنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَرِيئًا.

و مهر زنان را (به طور کامل) به عنوان یک بدهی (یا یک عطیه) به آنها بپردازید، و اگر آنها با رضایت خاطر چیزی از آن را به شما ببخشند، آن را حلال و گوارا مصرف کنید. (نساء: ۴)

در آغاز آیه برای حفظ حقوق زنان با صراحت دستور می‌دهد که باید تمام مهر را به آنان پرداخت کنند، ولی در ذیل آیه برای احترام به احساسات طرفین و محکم شدن پیوندهای قلبی و جلب عواطف می‌گوید: «اگر زنان با رضایت کامل خواستند مقداری از مهر خود را ببخشند، برای شما حلال و گواراست» تا در محیط زندگی زناشویی، تنها قانون و مقررات خشک حکومت نکند، بلکه به موازات آن، عاطفه و محبت نیز حکم فرما باش. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۲۶۳/۳) و پرداخت مهریه به زن، حق او و الزامی است (قرائتی، ۱۳۸۸، ۲۰/۲). اگر در جامعه، حق و حقوق شهروندان با رعایت احترام داده شود، ارتباطات بهتر و پایدارتر شده، در نتیجه این جامعه به تمدن مطلوب می‌رسد.

۴-۶. آرامش فردی و اجتماعی

زمانی که تمدنی مطلوب و مورد رضایت پروردگار باشد، خداوند در قلوب، ایجاد آرامش کرده و ترس، هراس و دلهره از بین می‌رود. این آرامش، تنها از سوی خداوند بوده است: «... فِيهِ سَكِينَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ...» (بقره: ۲۴۸) و نصیب مؤمنان می‌شود: «لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَابَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا» (فتح: ۱۸). هدف از این بیعت، انسجام هرچه بیشتر نیروها، تقویت روحیه، تجدید آمادگی رزمی، سنجش افکار و آزمودن میزان فداکاری دوستان وفادار بود که روح تازه‌ای در کالبد مسلمین دمید؛ زیرا دست به دست پیامبر ﷺ داده و از صمیم دل، اظهار وفاداری می‌کردند. خداوند به این مؤمنان فداکار و ایثارگر که در این لحظه حساس با پیامبر ﷺ بیعت کردند، چهار پاداش بزرگ داد که از همه

مهمتر، پاداش سخت، یعنی رضایت و خشنودی او بود، سپس می‌افزاید:
 خداوند می‌دانست آنچه در درون قلب آنها از صداقت و ایمان و آمادگی وفاداری نسبت
 به این پیمان نهفته است. بنابراین، سکینه و آرامش را بر آنها نازل کرد. (مکارم شیرازی،
 ۱۳۷۱، ۶۶/۲۲)

دین از سیاست جدا نیست. رضایت خداوند از مؤمنانی است که در مسائل اجتماعی و
 سیاسی با پیامبرشان بیعت کنند. آرامش، هدیه‌ای الهی است که از طرف خدا، تنها بر مؤمنان
 نازل می‌شود. آرامش، مقدمه پیروزی است. (قرائتی، ۱۳۸۸، ۱۳۲/۹) تمدن مطلوب در نگاه
 قرآن، باید زمینه‌های آرامش را در جامعه و افراد آن برقرار کند تا به رشد و تکامل برسد.

۵. نتیجه‌گیری

رشد و تکامل انسان در ابعاد مختلف در طول تاریخ، همراه با پیشرفت عقلی و علمی است
 که به دنبال آن در پی تشکیل تمدن بوده‌اند. در حال حاضر، تمدن‌های شکل‌گرفته در برخی
 کشورها، همه ویژگی‌های مطلوب مورد نیاز جوامع انسانی را ندارند. قرآن کریم، جامع تمام علوم
 بشری بوده و انسان را پیش از تولد تا مرگ رهنمون است، پس تمدن مطلوب و کمال حقیقی
 بشر، تنها با استفاده از راهنمایی‌های خالق هستی که شناخت کامل از ابعاد وجودی مخلوقات
 دارد، امکان پذیر است. قرآن کریم در آیات نورانی‌اش، مؤلفه‌های یک تمدن مطلوب را در دو بعد
 مادی و معنوی به زیبایی بیان کرده و بشر با استفاده از این مؤلفه‌ها، می‌تواند به تمدنی زیبا و
 مطلوب برسد. رسیدن به اوج کمال انسانیت، تحت اشراف تمدن مطلوب قرآنی امکان تحقق
 دارد، پس در مسیر حرکت به سوی تمدن اسلامی باید این مؤلفه‌ها به دقت شناسایی شده و
 الگوبرداری شود.

فهرست منابع

۱. اصفهانی، راغب (۱۳۷۲). مفردات الفاظ قرآن. مترجم: خسروی حسینی، غلام‌رضا. تهران: انتشارات مرتضوی.
۲. آیتی، محمد ابراهیم (۱۳۷۸). تاریخ پیامبر اسلام. تهران: دانشگاه تهران.
۳. جولپوس گلد- ویلیام ل. کولب (۱۳۷۶). فرهنگ علوم اجتماعی. تهران: گلشن.
۴. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳). لغت‌نامه. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۶۹). مفردات الفاظ قرآن با تفسیر لغوی و ادبی قرآن. مترجم: خسروی حسینی، غلام‌رضا. تهران: مرتضوی.
۶. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۷۴). ترجمه تفسیر المیزان. مترجم: موسوی، محمد باقر. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۷. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۱۳). ترجمه تفسیر مجمع‌البیان. مترجم: نوری همدانی، تهران: فراهانی.



۸. میرزا حسن، مصطفوی (۱۴۳۰). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*. بیروت: مرکز نشر آثار علامه.
۹. عمید، حسن (۱۳۸۱). *فرهنگ فارسی عمید*. تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
۱۰. قرائتی، محسن (۱۳۸۸). *تفسیر نور*. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۱۱. قمی، شیخ عباس (۱۴۰۲). *سفینه البحار و مدینه الحکم*. تهران: فراهانی.
۱۲. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳). *بحار الأنوار*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۳. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱). *تفسیر نمونه*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۴. هاشمی رفسنجانی، اکبر (۱۳۸۵). *فرهنگ قرآن*. قم: مؤسسه بوستان کتاب.

